

شصت و چهارسند

درباره

وقایع هرات

از

ایرج افشار

دانشیار دانشگاه تهران

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

= ۲۷ =

## بخش سوم = مکتوبهای اعتمادالدوله به عضدالملک

## بدسلوکی عثمانی - رنجش انگلیس

هو، مقرب الخاقانا مخدوما در باب بدسلوکی دولت عثمانی چون پای دولت بهیئة انگلیس هم در میان است تنها شکایت به امپراطور کردن مایه رنجش دولت انگلیس خواهد بود و باعث لجبازی عثمانی . از این گذشته می ترسم دولت روس از راه رندی چنان وانمود نماید که مقصود از فرستادن آن جناب شکایت از دولت عثمانی میباشد .

به جهت رفع مرارت، آن جناب را زود به خفت برگردانند و در نظر دولت عثمانی و دولت انگلیس کلاه شرعی بر سر حرکت خود نهند . اعتقاد این است پایی کار عثمانی نشوید، والسلام .

(بامهر بیضی اعتمادالدوله در پشت صفحه)

= ۲۸ =

## در باره محمود خان مصلحت گزار

مخدوم من مقرب الخاقان محمود خان که به رتبه مصلحت گذاری اینک روانه شد مترجم امین و قابل ضرور دارد . علی العجاله عالیجاه محمد علی آقا حسب الامر مأمور و بنا او روانه شد . اگر مشارالیه صلاح دولت و پیشرفت کار خود را در این بداند که عالیجاه یحیی خان را در آنجا نگاه بدارد و محمد علی آقا به کار خدمت دیوان نیاید البته در گذاشتن یحیی خان مضایقه ننمائید و عالیجاه یحیی خان هم از قرار همین نوشته باید بماند و از اطاعت مقرب الخاقان محمود خان بهیچوجه بیرون نرود که در صورت تخلف مؤاخذه خواهد دید و در صورت اطاعت محبت و رأفت . زیاده نمی نویسم . (بی تاریخ)

(با مهر بیضی صدراعظم دولت علیه ایران اعتمادالدوله میرزا آقاخان)

= ۲۹ =

### تحویل دادن اسباب دیوانی به محمود خان

مخدوما موافق این تفصیل اسباب و اشیاء دیوانی نبرد شما میباشد . چون مقرب الخاقان محمود خان در آنجا ماندنی است البته اسباب موافق شأن خود ضرور دارد از این اسبابها هر چه خودتان در عرض راه ضرور دارید با خود بیاورید، هر چه او ضرور دارد به او داده قبض بگیرید. مثلا سرغلیان مرصع او ضرور ندارد با خودتان بیاورید که تسلیم خزانه عامره بشود. البته مضایقه نکنید.. حررفی شهر رجب ۱۲۶۹

(بامهر بیضی اعتمادالدوله)

صورت اشیائی که به همراهی جناب مقرب الخاقان سفیر مخصوص فرستاده شد. تسبیح مروارید دورشته - شال رضائی: مشککی دو طاقه - زنگاری یک طاقه -

سرقلیان مرصع ... - سرقلیان مینای طلا... - قلیان مینای چرمی...

نقره آلات

اسباب قهوه خوری... : قهوه جوش نقره... - زیر فنجان...

آفتابه لکن... - آفتابه... - لکن...

میانۀ قلیان نقره میناکاری بانضمام سرنی و ته نی زلفک نی بیج...

جای صافی و قند گیر...

مجموعه فرنگی ساز: بزرگ وسط کوچک

غوری و قندان... : مثقال: غوری قندان

شمعدان نقره وزیر شمعدان... : شمعدان : زیر شمعدان

غاشق (کذا) چای خوری

نقره آلات از باب اسباب میز غاشق بزرگ: ۱۲ نخود، کوچک. مثقال ۱۲ نخود

کوچک کارد ۶ نخود بزرگ مثقال ۱۸ نخود کوچک ۱۵ نخود

چنگال ۷ نخود بزرگ ۱۵ نخود، کوچک ۱۲ نخود

= ۳۰ =

## اعزام دودسته هزار جریبی به کلات

نوره ۱۶۱

هو، مقرب الخاقانا مخدوما نوشته بودم که ابوالفتح خان را با دو دسته از نوکر هزار جریبی بکلات بفرستید. از قراری که نواب والا نوشته بودند او را بجای دیگر مأمور کرده اند. نوکر افشار بکشلو هم که باید بهرات برود نوکر هزار جریبی را با فوج عجم البنه در شهر نگاهدارند. هر طور است عالیجاه میرزا ابراهیم خان سرتیپ با افواج خمسه باید تا شب عید آنجا بمانند. سیورسات آنها را هم از قراری که بتوچی داده اید حساب کرده بپردازید که تا عید باشند. بعد عوضشان را می فرستم می آیند. فی شهر ربیع الاخر ۱۲۷۰

( با مهر مربع صدراعظم دولت علیه ایران اعتمادالدوله میرزا آقاخان )

= ۳۱ =

## اعزام آقاچماقلو و بیان وضع مشهد

نوره ۷۸

مخدوما از قراری که می شنوم حالت و اوضاع مشهد و رفتار مباشرین خیلی بد شده است و اکثر حرکات مردم را شما مطلع نمیشوید و بعضی را که مخبر میشوید از کثرت حجب و حیائی که دارید ممانعت نمی نمایند. حاجی شهباز مکاری توپسرکانی که از مشهد آمده بود تفصیلی از رفتار میرزا رضاقلی خان گمر کچی که مال کرایه کردن برای حمل قورخانه را باو محول داشته اید حکایت میکرد که مال مکاری و مترددین را میگیرد. اگر ضرور ندارد تعارفی از صاحب مال میگیرد و مالش را میدهد. مثل اینکه خود حاجی شهباز بیست و چهار مال داشته است میرزا رضاقلی گرفته است و سه روز

نگاه داشته بعد بیست و چهار تومان از حاجی شهباز گرفته و مالهای او راداده است و هر کدام را برای حمل قورخانه لازم دارند مالی هفت هزار و پانصد کرایه قرار میدهند. هر اشرفی هزار دینار کسر دارد و هر تومانی هزار دینار صرف دارد. هر مالی پنج هزار و پانصد عایدکاری بیچاره میشود و یازده روز باید راه برود. و در آن راهها هم که آذوقه نیست کاه و جومال خودشان را باید از مشهد بردارند و باین زحمت و مرارت بروند و برگشتن آنها هم تفصیلی دارد که خدمت نواب و الاحسام السلطنه نوشته ام. این يك راه مداخل و اسباب تاخت و تاز میرزا رضاقلی است و شما از روی عدم اطلاع بر میدارید مینویسید که امسال گمرک عمل نکرده است و ضرر دارد و همچنین کلانتر هم با میرزا رضاقلی شریک و رفیق است و اینگونه حرکات و تعدیات در شهر می کنند و الواط و اشرار و مفسدین که از شهر رفته بودند همینکه حلیم و حوصله شمارا شنیده اند و حجب و شرم حضور شما را دیده اند باز در شهر جمع شده اند و بنای هرزگی و شرابخوری را گذاشته اند و شما بهیچوجه در مقام تنبیه و سیاست اشرار بر نمی آید. اغتشاش راهها و حول و حوش شهر را هم که خودتان تفصیلی نوشته بودید که بطوری مغشوش است که محمد صالح خان سر کرده را با سواره اش یکمرتبه اسیر کرده اند. باین جهات لازم دانستم یک نفر آدمی که جنبه نوکری داشته باشد و بتواند اشرار و مفسدین را تنبیه کند آنجا بفرستم که در خدمت شما باشد و بدستور العمل شما رفتار کند. فکر کردم اگر آدم بزرگی نفرستم شاید بطوری که باید تمکین از شما نکنند و اسباب سستی کار شما بشود. لهذا عالیجاه حاجی شکرالله خان سرهنگ توپخانه را که آدم خودم است و معروف شما هم هست فرستادم که در پهلوی شما باشد و در معنی آقا چماقلوی شما باشد و بفرمایش و دستور العمل شما راه برود و اشرار را تنبیه کند و راهها را نظم بدهد و نگذارد در راهها و شهر اغتشاش و بی نظمی روی بدهد. ان شاء الله تعالی میباید کمال اهتمام نمائید و رفع این اغتشاش شهر و راهها را

بکنید و هر کس را مستحق تنبیه و سیاست میدانید به عالیجاه مشارالیه دستور العمل بدهید تنبیه کند و تا هنگام مراجعت نواب و الامواظب باشید بی نظمی و اغتشاش در شهر و اطراف روی ندهد . فی شهر ذی حجه ۱۲۷۲  
( با مهر بیضی اعتمادالدوله در پشت صفحه )

= ۳۲ =

### عملهجات سرکار فیض آثار از روز شمار سالار

نوره ۸۷

هو ، مخدوماً تفصیلی در که باب عملهجات سرکار فیض آثار نوشته بودید خواندم و از کیفیت مستحضر شدم . راه خیال آن مخدوم خیلی درست بوده است و از روی عقل و کاردانی رفتار کرده اید و در این موارد هم اعتماد اولیای دولت علیه بکاردانی و کار آگاهی آن مخدوم است و اینکه سابقاً شرحی در این خصوص بآن مخدوم نوشته بودم مقصودم نه این بود که بآن مخدوم حرفی زده باشم بلکه مقصودم استحضار آن مخدوم بود که از کیفیت مطلع شوند و اشخاصی را که در ایام سالار داخل عملهجات حضرت بوده اند حالا بکارهای حضرت دخیل ننمایند . البته بعد از این هم ملتفت بوده آن اشخاص را دخیل کار ننمایند و در این باب کمال مراقبت داشته باشند . شهر ذی حجه الحرام ۱۲۷۲ .  
( با مهر بیضی اعتمادالدوله در پشت صفحه )

= ۳۳ =

### آزار رساندن حاجی محمدرحیم خان

نوره ۱۱۳

هو ، مخدوماً تفصیلاتی که در باب میرزا محمد رحیم نوشته بودید خواندم و از کیفیت مستحضر شدم . نظر بتفصیلاتی که در ماده مشارالیه

نوشته بودید در روانه کردن او حرفی ندارم و اگر آنطور بوده است که آن مخدوم نوشته بودید روانه کردن او عیبی ندارد. اما از قراری که خود او از عرض راه نوشته بود یکصد تومان وجه نقد از او در ارض اقدس گرفته اند و اسب و قاطر و اسباب او را هم عالیجاه حاجی شکرالله خان ضبط کرده است و در بین راه هم محصلین او دو بیست تومان از او مطالبه کرده اند. نمیدانم جهت اخذ تنخواه و ضبط اموال او چه چیز است. حرف خود او از قراری که نوشته بود این است که من مصمم زیارت عتبات عالیات بودم و جمع تدارکات خود را دیده بودم. روزی مجلس آن مخدوم آمده بوده است مرخص شود. او را نزد حاجی شکرالله خان فرستاده اند. عالیجاه مشارالیه هم اسب و اسباب و قاطر او را گرفته خود او را روانه دارالخلافت کرده است. اگر خود او نمی بایست در آنجا بماند و مصلحت در روانه کردن او بوده است پس دیگر ضبط اموال او و گرفتن صد تومان وجه نقد چه مصلحتی داشته است. صریح بآن مخدوم مینویسم هر کس این صد تومان را از او گرفته است باید حکماً استرداد کرده در میان کیسه گذاشته بزودی نزد اینجانب بفرستد و اسب و اسباب و قاطر او را هم از عالیجاه حاجی شکرالله خان گرفته به کسان میرزا محمد رحیم که در آنجا باشند تسلیم کرده قبض رسیدگی گرفته برای من بفرستید و در این خصوص کمال اتمام نمائید. زیاده چه تا کید شود. شهر صفر المظفر ۱۲۷۳.

(مهر بیضی اعتمادالدوله پشت صفحه)

= ۴۴ =

### کتابچه خلاصه الاخبار چابی

هو، مقرب الخاقانا مخدوما چون این اوقات کتابچه خلاصه الاخبار که فی الحقیقت روزنامه ملی است اخبار نویسان ملت نوشته در دارالخلافت طبع شده است و متضمن بعضی اخبار و وقایعی است که فواید آن بعد از ملاحظه معلوم میشود، لهذا چهل جلد از آن خلاصه الاخبار برای آن مخدوم به صحابت چاپار فرستادم



که مطالب آنرا خوانده مستحضر شوید و بعد از آن بهر کس از علماء و اعیان و تجار ولایت مصلحت میدانند از این کتابچه‌ها بدهد که مطالب آن گوش زد عوام شده از وقایع و مطالب مندرجه آن مطلع شوند. فی الحقیقه بسیار خوب نوشته شده ممارست و مذاکره مطالب آن خیلی فایده دارد. هر قدر لازم باشد آن مخدوم برای خراسان از این کتابچه‌ها بردارد مابقی را به هرات بنویسند و بفرستند. و همچنین بعضی از روزنامه‌های دولتی را که در ماه محرم و صفر و ربیع الاول چاپ شده متضمن بعضی مطالب دولتی است که برای هر یک از حکام در دقت سؤال و جواب خیلی بکار می‌آید البته بآن روزنامه‌ها رجوع کنند و در وقت ضرورت از آن قرار سؤال و جواب کنند. فی شهر ربیع الاول ۱۲۷۳.

( با مهر بیضی اعتمادالدوله در پشت صفحه )

= ۳ © =

### سرداران افغانی

نمره ۱۲۴

مقرب الخاقانا مخدوما نواب و الامحمد صدیق خان و پسران سید محمد خان را با چند نفر دیگر روانه دار الخلافه نموده اند. آمدن آنها باینجا حسنی ندارد. البته بعد از ورود آنها را بزبان خوشی در همانجا نگاه دارید بمانند نگذارید بیایند و سردار احمد خسان و شاه دوله خان برادر زادگان امیر دوستمحمد خان هم می‌آیند. البته نسبت بآنها منتهای مهربانی و حرمت را بعمل آورده و در توقیر و احترام آنها فرو گذاشت ننمایند. و حاجی غلام محمد خان را هم مرخص کنید هرات بخواهد برود، دار الخلافه می‌آید بیاید. نگاهداشتنش لازم نیست. آقامیرزا رفیع خان را در همانجا نگاه دارید تا نواب والا خودشان تشریف بیاورند. البته در فقرات مسطوره کوتاهی ندارید. بنحوی که مسطوراست معمول دارند. تحریراً فی شهر ربیع الاول سنه ۱۲۷۳.

در حاشیه اعتمادالدوله به خط خود نوشته است :

مخدوما اگر نواب والا هم بنویسند میرزا رفیع خان را .... این نوشته را خدمت ایشان بفرستید .... حکماً باید... باشد. سهل است آن دنیا باشد. (بامهر بیضی اعتمادالدوله در پشت نامه)

= ۳۶ =

### نشان برای چهار نفر توپچی

نوره ۱۲۷

هو ، مخدوما در باب چهار نفر توپچی که نوشته بودید در وقت بردن قورخانه خدمت کرده با تر کمانها دعوا کرده اند و قورخانه راصحیح و سالم رسانیده اند و از برای آنها استدعای نشان کرده بودید مرا تب بعرض خاکپای همایونی رسیده موافق حکم نظامی علیحده که صادر شده است در حق هر یک نشانی مرحمت شده، تفاوت موجب هم منظور شده است . البته نشان آنها را رسانیده بالتفات اولیای دولت علیه امیدوار نمائید .

= ۳۷ =

### تقاضای مستمری برای ملا صدق شاهاندیزی

نوره ۱۲۸

هو ، مخدوما در باب عالیجاه ملا صدق شاهاندیزی که بدان طریق نوشته بودید مستحضر شدم و مراسله جناب حاجی میرزا محمد حسن مجتهد را هم خواندم. اینکه خواهش کرده بود در حق او مستمری مرحمت و برقرار شود خود آن مخدوم میدانند با آن همه مخارجی که هر روز برای دولت اتفاق می افتد دیگر گنجایش آن نیست که مستمری برقرار شود. ولکن از بابت غایب و متوفی اگر چیزی پیدا شود اولیای دولت علیه مضایقه ندارند که مستمری درباره مشارالیه برقرار نمایند. می باید آن مخدوم خود مراقب بوده از بابت غایب و متوفی خراسان چیزی مشخص کرده مستمری هر کس را که متوفی شده است بنویسد تا حکم آن صادر شده در حق عالیجاه مشارالیه برقرار شود.

فی شهر ربیع الاول ۱۲۷۳

(بامهر بیضی اعتمادالدوله در پشت نامه)

= ۳۸ =

## در باره مال کرایه و تعدیل نیشابور

نوره ۱۲۹

هو، مخدوما تفصیلی که در باب مال کرایه و تعدیل نیشابور نوشته بودید خواندم و از کیفیت مستحضر شدم. ولی اعتقادم این است در خصوص این دو فقره تأملی داشته دست نگاه دارید تا مقرب الخاقان قوام الدوله هم از هرات مراجعت کند. و بعد از آن بایکدیگر حرف زده درست نفع و ضرر و صرفه و غبطه این کار را ملاحظه کنید. هر طوریکه مصلحت دانستید و صرفه دیوان را در آن دیدید مراتب را باینجانب بنویسید تا ان شاء الله تعالی در این مورد قراری صادر شود و بنحوی که مقتضای مصلحت است رفتار شود. فی شهر ربیع الاول ۱۲۷۳.

(بامهر بیضی اعتماد الدوله در پشت نامه)

= ۳۹ =

## در باره قتل نظر آقا

نوره ۱۳۰

هو، مخدوما تفصیلی که در باب نظر آقا و مقدمه قتل او نوشته بودید خواندم و از کیفیت مستحضر شدم. الخیر فیما وقع. در حقیقت قتل او بسیار بجا و بموقع اتفاق افتاده است. با آن حرکت و جسارتی که از او بظهور رسیده بود سزاوار این بود که اینطور بشود. اما حالا کاری که لازم است این است که آن مخدوم اهتمام بر مراقبت کلی در تقویت اللهیار آقا بکنند و او را در امر حکومت خودش مسلط نمایند که از عهده نظم امور دره جز بتواند برآید و بعد از این عیب و نقصی در کار او بهم نرسد. خودتان میدانید که اللهیار آقا جوان فقیری است و قدری بی حال است. تا تقویتی از کار او بعمل نیاید

امر او نظمی نخواهد گرفت. بساید مادامی که نواب شاهزاده و مقرب الخاقان قوامالدوله مراقبت نکرده اند آن مخدوم کمال تقویت از اللهیار آقا بعمل آورده از کار او غفلت نداشته باشید و چند نفر مفسدینی که در دور دایره نظر آقا بودند و منشأ فتنه و فساد می شدند و باللهیار آقا مخالفت داشتند باید آنها را گرفته تنبیه کنند. اگر هم لازم میدانند بیاورید چندی در آنجا محبوساً نگاه دارید که امر دره جز نظمی داشته باشد. البته در تقویت اللهیار آقا کوتاهی نکنید. این روزها از جانب سنی الجوانب همایون نیز خلعتی به افتخار او مرحمت شده به صحابت ....<sup>۱</sup> فرستاده شده است که در کار خودش مسلط باشد. فی شهر ربیع الاول ۱۲۷۳ (با مهر بیضی اعتمادالدوله در پشت نامه)

= ❁ =

### وضع سیورسات افواج خمه

نوره ۱۳۳

هو، مخدوما در باب افواج خمه که نوشته بودید دوهزار تومانی که حواله شده بود بآنها بدهید داده اید و لکن سر تیب آنها ایستادگی زیاد در باب قیمت سیورسات افواج دارد، اولاً افواج خمه حسب الامر احضار شده اند و باید برکاب مبارک ببینند و خدمت نواب شاهزاده نوشته ام که افواج خمه را مرخص کرده عالیجاه ابو الفتح خان را با فوجش بکلات بفرستند و حکومت آنجا را هم بعهده او واگذار نمایند و دو دسته هم از تفنگچی هزار جریبی که یکی دسته محمد رحیم خان و دیگری دسته نجفقلی خان باشد از مشهد احضار کرده بکلات بفرستند که نزد عالیجاه ابو الفتح خان مشغول خدمت ساخلوی آنجا باشد و دو دسته دیگر با فوج عجم در مشهد مقدس مشغول قراولی بمانند. ثانیاً در باب قیمت سیورسات آنها که نوشته بودید

۱ - در اصل محل نام سفید مانده است.

ایستادگی دارند معلوم است ولایت نرخی دارد و کمتر از نرخی ولایت نمی توان  
 بآنها داد. مثلاً نان يك من يك عباسی باشد نمی توان قیمت آنرا يك من سه  
 شاهی بآنها داد که به عسرت گذران نمایند. اما اینکه نوشته بودید توپچی را  
 از قرار خرواری شانزده هزار و ده شاهی داده اید و آنها راضی شده اند و افواج  
 خمره می خواهند قیمت سیورسات را زیاده از توپچی بگیرند این عمل خلاف  
 است. در هر حال خواه حالا یا افواجی که بعد ازین بیایند قیمت سیورسات را  
 نمی باید زیاده از توپچی بگیرند. بهمان قرار آنها بدهید. اما ملاحظه نرخی  
 ولایت را هم بکنید. فی ۲۷ شهر ربیع الاول ۱۲۷۳.  
 (بامهر بیضی اعتماد الدوله در پشت نامه)

= ( ) =

### در باب ایل هزاره

نمره ۱۳۵

هو ، مخدوما در باب ایل هزاره که نوشته بودید در حدود خراسان  
 در هر جا که هستند بنای مردم آزاری و هرزگی گذاشته اند و خوب حرکت  
 نمی کنند درین باب حق باشماست. این جانب هم به هرزگی و سوء رفتار آنها  
 اطلاع دارم و می دانم برای دولت دشمن خانگی شده اند. اما با این حالت  
 نمی توان چشم از آنها پوشید و بآن همه زحمتی که در آوردن آنها تحمل  
 شده است يك دفعه از آنها دست کشید و آنها را از خاک خراسان بیرون کرد.  
 بلکه باید قراری در امر آنها داد که رفع هرزگی آنها بشود و از عمل آنها  
 اطمینان کلی حاصل شود. به مقرب الخاقان برادر مهربان قوام الدوله نوشته ام  
 که بعد از انجام کارهای هرات معاودت به ارض اقدس کند. باید بعد از آنکه  
 برادر مشارالیه آمد در باب قرار و مدار ایل هزاره بایکدیگر حرف بنزید و شور  
 کنید و درست بسنجید که مقتضای مصلحت چه چیز است و در خصوص آنها  
 چه باید کرد. باید متفرق کرد یا در داخله مملکت آنها را جرقه جرقه کرد.

هو طور که می دانید مصلحت دولت است از آن قرار رفتار شود. سابقاً در باب قرار و مدار امر اینها مکرر خدمت نواب شاهزاده نوشته تأکید کرده بودم که در ماده اینها قرار می بدهند. و لکن نواب معزی الیه از بابت گرفتاری که در محاصره هرات داشتند نتوانسته بودند به این کارها بپردازند. اما بعد از این نمی باید کار آنها را مهمل گذاشت و کم کم هرزگی آنها در داخله مملکت بیشتر بشود و جری بشوند. می باید در باب آنها هر طور به عقلمان می رسد و مصلحت میدانید بنویسید تا قراری در امر آنها داده شود. فی شهر ربیع الاول ۱۲۷۳.

(بامهر بیضی اعتماد الدوله در پشت نامه)

= § ۲ =

### شایعه فوت حسام السلطنه

نمبره ۱۳۹

هو ، مخدوما

داعی عمده بر روانه کردن این چاپار این است که دیروز روز پنجشنبه پنجم قاصدی مانند پیک غم از خراسان آمده بود که برای تجار کاغذ داشت. از جمله کاغذی از حاجی قاسم طهرانی داشت که به حاجی علی اکبر پسرش و نهم شهر ربیع الاول تاریخ داشت. نوشته بود نواب حسام السلطنه بعد از فتح هرات از لباس هستی و حیات خدا نکرده عاری شده اند. حقیقت از این خبر هیچ هوش و حواسی برای احدی نماند و بعد از فتح هرات و آمدن حسین خان هم نه از هرات و نه از شما کاغذی نرسیده و خبری نیامده بود. اگر بخواهم بنویسم که از استماع این خبر تا به چه حد پریشان خاطر شدم از حیز تحریر و حوصله تقریر بیرون است و در نتیجه این چاپار را مسرعاً روانه داشته همان حاشیه کاغذ حاجی قاسم را پاره کرده برای آن مخدوم فرستادم که ببینید. نمی دانم اگر خدا نکرده راست است چرا شما آدم نفرستادید و کاغذ ننوشتید و چگونه شد که به حاجی قاسم خبر رسید به شما خبر نرسید! و اگر دروغ است از حاجی قاسم پیرسید این چه خبر است نوشته است؛ خلاصه این خبر تشریف فرمائی موکب همایون به سمت خراسان به این مناسبت است.

اگر خدا نکرده راست است این خبر را منتشر سازید که مردم بنای هرزگی و آشوب را نگذارند تا فکری بشود و قراری گذاشته شود. والا اگر ان شاء الله تعالی دروغ است هیچ ازین مقوله سخن بر زبان نیاورید و نشنیده انگارید. اما این چاپار برسبیل و جوب و حکم باید به هرات برود. در ساعت ورود اسبش بدهید و روانه هراتش کنید و همان ساعت زود يك نفر چاپار مخصوص که شش روزه خودش را به اینجا برساند بلا تأمل روانه کنید و کیفیت صدق و کذب این خبر را بنویسید. می دانید که تا رسیدن چاپار و خبر شما من چه حالتی دارم. يك ساعت زودتر چاپار را به اینجا برسانید بهتر است. زیاده ازین حاجت به تأکید نمی دانم. حررفی شهر ربیع الاول ۱۲۷۳.

اما چاپار هرات در هر حالت باید زود برود و او را معطل ندارید و روانه کنید برود. زیاده زیاد است.

پشت صفحه به خط خود اعتماد الدوله دارد :

مخدوما اگر چه بهزار قرینه و قاعده و دلیل این حرف انشاء الله، انشاء الله، انشاء الله دروغ است و بخت شاهنشاه و قوت طالع سلطنت که یقین با خواست خداوند متعال است نمی گذارد چنین عموی رشید خدمت گذار صادق دولتخواه در چنین وقتی با هزار دشمنی که یکی انگلیس است از میان برود، لکن احتیاط باید حکماً بزودی این چاپار به هرات برود. شهرت تشریف فرمائی شاهنشاه بخراسان و هرات در هر حال عیبی ندارد. البته مشهور کنید. این خبر هم ان شاء الله انشاء الله باز حسن دارد بجهت هرات. در کاغذ مطلب دیگر دارد واجب است هر چه چاپار زود برود دیر است. لکن بعد از ورود این چاپار و رفتن به هرات شما همان دقیقه چاپار خوب زود روانه کنید. لکن عجب است از حاجی قاسم و کاغذ او. با اینکه شنیدم مردم بسیار عاقل خوب است. تاریخ کاغذ حاجی قاسم نهم ماه ربیع الاول در مشهد نوشته است. ظهر روز هفتم ربیع الاول حسین خان از هرات از خدمت شاهزاده مرخص شده، سه روز فاصله. فرض شاهزاده

حسام السلطنه به مفاجأة مرده باشد خدا نکرده يك روزه کدام چایار بجهت حاجی قاسم آمده از هرات تا مشهد. شما مگر مرده بودید يك چایار بفرستید. يك روزه از هرات بمشهد آدم آمدن محال است. خلاصه البته دروغ است. لکن بی سبب مایه پریشانی خیال شد. چایار زود بهرات برود واجب است.

= ۴۳ =

### باز درباره شایعه فوت حسام السلطنه

نوره ۱۴۰

مخدوما

دیروز که پنجم شهر ربیع الثانی بود نزدیک به عصر موافق نوشته تجارتي که به پسر حاجی قاسم تاجر رسیده بود خبر وحشت اثری از طرف نواب مستطاب شاهزاده افخم و الاتیار حسام السلطنه مذکور افتاد که بتفصیل آن را در ورقه جداگانه به آن مخدوم نوشته ام و بعد از آنکه این خبر به مسامع علیه سرکار اقدس اعلی حضرت قدر قدرت شاهنشاهی روحنا فداه رسیدن زیاد از اندازه باعث ملالت خاطر خطیر همایون گردید قبل از آنکه کذب این خبر محقق و معلوم شود امروز صبح دستخط مبارکی از جانب سنی الجوانب همایون به افتخار این جانب شرف صدور یافته بود که خواب دیده اند از آن مخدوم و حاجی شکور خان کاغذی رسیده است و این خبر بی اصل و دروغ بوده است. بعد از آنکه دستخط مبارک را زیارت کردم به فاصله دو ساعت دیگر تفنگداران حامل تنخواه از خراسان مراجعت کرده وارد شدند و نوشته آن مخدوم و حاجی شکور خان را رساندند و معلوم شد که این خبر اصلی نداشته است و الحمد لله تعالی دروغ بوده است و حاجی قاسم تاجر نفهمیده نوشته است. همان دستخط مبارک را فرستادم که آن مخدوم هم زیارت کند. فی الحقیقه داخل الهامات غیبی است که به لوح خاطر خطیر همایون سلطانی روحنا فداه رسیده است و از رؤیای صادق هم گذشته است و یقین دارم آنچه در خصوص این خبر به مرآت ضمیر منیر همایونی اثر کرده در دستخط مبارک مرقوم فرموده اند



مطابق با واقع خواهد بود. چنانکه از ورود تفنگداران و تاریخ نوشته حاجی شکورخان و روزنامه مشهد که هیجدهم شهر ربیع الاول بود و نه روز بعد از کاغذ حاجی قاسم تاجر نوشته شده بود همینطور معلوم شد که الحمدلله تعالی این خبر بی اصل است. البته شما هم زود چاپار بفرستید و تفصیل احوال را بنویسید که مطلع شوم. شهر ربیع الثانی [۱۲۷۳].

(بامهر بیضی اعتمادالدوله در پشت نامه)

= § =

### درباره وفات خان ملاخان هراتی

نمبره ۱۴۴

هو، مقرب الخاقانا مخدوما از قراری که مذکور شد خان ملاخان هراتی در مشهد مقدس وفات کرده اسباب و اموالی که داشته است سپرده اند نگاه دارند که بکسانش برسد و حالا کسان و ورثه او آمده اند. البته قدغن نمائید اموال و اسبابی که از او مانده است تمام و کمال به کسان او رد و تسلیم نمایند. ظاهر است کوتاهی نخواهند کرد. زیاده مطالبی نیست. فی شهر ربیع الاخر ۱۲۷۳.

(بامهر بیضی اعتمادالدوله در پشت نامه)

= § =

### درباره قتل دوسید در راه خراسان

نمبره ۱۴۷

هو، مقرب الخاقانا مخدوما دونفر سید را که در راه خراسان بقتل رسانیده بودند عالیجاه نورچشمی عباس خان حاکم ترشیز قاتلین آنها را که دونفر بوده اند گرفته نگاه داشته است و خودشان هم اقرار کرده اند که در کجا و چطور هر دوسید را که بدرویسر بوده اند بقتل رسانیدیم و اموال مقتولین را هم از آنها گرفته نگاه داشته. البته آن مخدوم فرستاده قاتلین را با اموال مقتولین بگیرد. اولاً قاتلین را بحکم و لکم فی القصاص حیات نواب

امیرزاده در مشهد مقدس سیاست برسانند تا عبرت دیگران شود و اموال مقتولین را هم درست بسپارند آدم امینی نگاه دارد. ورثه آنها را میفرستم آمده دریافت نمایند. زباده زحمتی نیست. فی شهر ربیع الاخر ۱۲۷۳.  
(بامهر بیضی اعتمادالدوله در پشت صفحه)

= ۶ =

### اصناف‌شهد و پرداخت دوازده مال دیوان

نمره ۱۵۲

هو ، مخدوما خیال اولیای دولت علیه این است که روز بروز طوری نشر آثار رأفت و معدلت در آن صفحات بشود که امیدواری افغانه آنافاناً بالتفات و رأفت اولیای دولت علیه بیشتر شده همگی از روی کمال شوق بجان و دل طالب رعیتی و خدمت گذاری این دولت بشوند و این نمی‌شود مگر اینکه ببینند حالت رعیت خراسان از آنها بهتر است و با کمال انصاف و رأفت بارعیت آنجا رفتار میشود. اما بعد از آنکه ببینند هر روز بر تحمیلات رعیت خراسان افزوده میشود و بر خلاف معمول سابق با آنها رفتار میشود چگونه طالب رعیتی و خدمت‌گذاری میشوند. مثلاً از جمله شنیده‌ام معمول سابق این بوده است که از اصناف مشهد باصطلاح آنها سیزده و جوهی مطالبه می‌شده است که دوازده مالیه دیوان بوده است و یکی کلانتری. و لکن امسال سیزده و جوه را جمع کرده‌اند و علاوه بر معمول سابق قرار داده‌اند، پانصد تومان دیگر هم کلانتر بگیرد. و معلوم است بعد از آنکه بنامش بر خلاف سابق رفتار شود باین مبلغ‌ها قناعت نخواهند کرد و بر اصناف بیچاره تحمیلات مالا یطاق وارد می‌آید و آوازه اینگونه بی اعتدالی که نسبت باصناف شهر مشهد می‌شود و خارج و داخل می‌شوند بگوش مردم افغانستان میرسد و باعث وحشت آنها از اینگونه تحمیلات میشود و با مقصود اولیای دولت علیه منافات دارد. وانگهی این فقره معلوم است امسال بواسطه مقدمه هرات که راه آمد و شد بسته شده بود

چنین نیست به اصناف آنجا ضرر و خسارت نرسیده باشد. باین حالت اگر رعایتی از احوال آنها نمی شود چرا بر تجمیلات آنها می افزایند. خلاصه صریح می نویسم که حسب الامر باید قدغن کنید که کلاتر و غیره دیناری علاوه بر معمول سابق از اصناف آنجا مطالبه نکنند و همین نوشته مرا خدمت اشرف والا حسام السلطنه هم بفرستید که ایشان هم مستحضر شوند و بعینه سواد همین نوشته را برای برادر مهربان قوام الدوله هم بفرستید که رفع اینگونه زیادتیهها بشود. زیاد چه نویسد. فی ۱۵ شهر ربیع الثانی ۱۲۷۳.

(بامهر بیضی اعتماد الدوله در پشت نامه)

= ۳۷ =

### ارباب سیرز محمد رحیم و حاجی شکور خان

نورۃ ۱۵۳

هو ، مخدوما در باب میرزا محمد رحیم کاغذی که بمقرب - الخاقان نور چشمی دبیر الملک و همچنین نور چشمی میرزا محمد علی نوشته بودید خواندم و از مسطورات آنها مستحضر شدم . اولاً نوشته بودید من از حاجی شکور خان سؤال احوال او را کرده ام و او از بی تقصیری میرزا عبدالرحیم نوشته است و در حق حاجی شکور خان بعضی الفاظ و عبارات مبنی بر سوء ظن در کاغذ نور چشمی میرزا محمد علی نوشته بودید. در اینجا ظن شما از قبیل «ان بعض الناس اثم» است. چرا که آن بیچاره در تائید نوشتجات شما نوشته بود و کاغذ او را فرستادم<sup>۱</sup> ببینید که او چه نوشته و شما سوء ظن بی جهت در حق او برده اید. لکن من به حاجی شکور خان در این باب چیزی نوشتم نه از جهت سؤال تقصیر او بود، بلکه نوشتم چرا مال او را گرفتی و چرا توپچی مطالبه دوست تومان از او کرد . اگر نه تصدیق و تکذیب خدمت و خیانت میرزا محمد رحیم را از حاجی شکور خان نخواستہ بودم . ثانیاً نوشته بود بعد از آنکه

۱ - به شماره ۶۴ مراجعه شود.

میرزا محمد رحیم را به دارالخلافه فرستاده اید با او با کمال احترام رفتار میشود و در بعضی اوقات احضار بمجلس نهار می شود و وعده مراجعت باو داده شده است و او هم کاغذ پرانی میکند. این فقره معلوم است که سادات و ملا و اینگونه اشخاص را مناسب نیست که بقراول و انبار بیندازند و محبوس کنند. بلکه همینقدر از بلدی احضار ببلدی شده رخصت مراجعت نمیدهند کفایت میکند. اما اینکه نوشته اید نسبت باو احترام میشود و در مجلس شام و نهار من حاضر میشود «ان هذا بهتان عظیم». چنین چیزی اتفاق نیفتاده است و من او را ملاقات نکرده ام و از احتراماتی که باو میشود و آن مخدوم شنیده است همین است که گفته ام. در اطاقی منزل داده شام و نهار می باو میدهند. این هم نه از بابت این است که خواسته باشم باو محبت کنم بلکه اگر محبوس هم بود نمی شد او را گرسنه گذاشت و شام و نهار می لازم داشت. ثالثاً اینکه نوشته بودید وعده مرخصی باو داده ام این هم خلاف است. چرا که امروز در حقیقت حکومت و پیشکاری خراسان همه بعهده کفایت شما محول است. اگر سایر اهالی خراسان را شما مقصر میدانستید و بدارالخلافه میفرستادید تا از شما استمزاج نکنم بی رضای شما از دارالخلافه مرخص نخواهم کرد. تا چه رسد بخدا حضرت که همه وقت مخصوصاً در تحت اختیار شما هستند. در اینصورت چگونه میشود که بی رضای شما وعده مرخصی باو بدهم. اگر خود او کاغذ پرانی کرده است همان کاغذ او را گرفته نزد اینجانب بفرستید تا باو ضرب بزنم، بلکه از اینجا هم نفی کنم چگونه می شود مادامی که رضای شما نباشد او را بمشهد بفرستم. . . . هروقت هم خواست بعتبات عالیات برود مرخص می کنم. نخواست همین جا خواهد بود. تا هروقت شما نوشتید و خواستید آنوقت مرخص شده بیاید. شهر ربیع الثانی ۱۲۷۳.

(بامهر اعتمادالدوله در پشت نامه)

= ❧ =

## در باره مصطفی قلی خان و عمل مالیات نیشابور

نوره ۱۰۰

هو ، مخدوما در باب عمل نیشابور و مصطفی قلی خان که نوشته بودید نقطه مقابل یکسدیگرند راست است . من هم از همه کس اینطور شنیده‌ام . لکن اینکه نوشته بودید بار ولایت سنگین است . صریح نوشته بودید که بدانم سنگینی بارولایت از مالیات آنجاست یا از زیادتی تعارفات و پیشکشی حکومتی است . اما گمان ندارم جمع آنجا زیاد باشد و از آنجا عمل نیاید مضایقه نیست . چنانکه خود شما هم نوشته بودید قدری تعدیل لازم داشته باشد ، بلکه اگر تعدیل شود مالیات دیوانی آنجا بکمال خوبی بعمل می آید و رعیت هم بهیچوجه حرفی نخواهد داشت . مثلا کسی که در سابق پانصد گوسفند داشته و بر او جمع دیوانی بسته شده بوده است حالا گوسفند ندارد و لکن از او همان جمع سابق را مطالبه می کنند . از آن طرف کسی که شش گوسفند نداشته و حالا پانصد رأس گوسفند به هم رسانیده است بعوض منافع حکومتی پیشکشی میرود ، اگر تعدیل شود هم مالیات دیوانی درست بعمل می آید و هم رعیت آسوده شود . اما اگر منافع حکومتی آنجا زیاد قرار شده است در این باب خدمت نواب والا نوشته‌ام که از منافع حکومتی آنجا بکلی صرف نظر نموده مطالبه نکنند . بلکه بدین واسطه رفع خرابی آن ولایت شده و به آبادی بگذارد . البته خود ..... سید میرزا را که خواسته‌اید تا بحال بمشهد مقدس آمده است و در آنجا درست بحرف او و رعیت رسیده‌اید . هر چه فهمیدید و معلوم گردید بمن هم بنویسید . اما در باب تعدیل آنجا که نوشته بودید بخدمت نواب والا نوشته‌ام که تا تعدیل نشود پول سرگله را حواله نکنند قوام الدوله هم منتهاتایک ماه بعد از این خواهد آمد . بعد از آمدن انشاء الله تعالی آدم امین درستی که هر دو صدیق و امین و با دیانت و صاحب سررشته بدانید مشخص کنید برود درست هم وجه سرگله آنجا را تعدیل کند ،

هم اصل مالیات را، هم تخفیفی که بآنجا داده شده است. هر چه را مردمان بغیر استحقاق بعوض مستمری میبرند برگرداند و به شکسته و مخروبه برساند و بکلی مطالبه منافع حکومتی و پیشکش و بعضی صادرات را هم که غیر معمول دیوان است موقوف بکنید، بلکه آنجا آباد شود. اگر چه تاشب عید نوروز حا کمی از جانب دیوان عالی برای آنجا تعیین خواهد شد اما باید هر حا کمی باشد رفع عیب آنجا بشود. شهر ربیع الثانی ۱۲۷۳.

(بامهر بیضی اعتمادالدوله در پشت نامه)

= ۹ =

### درباره میرزا رفیع خان

نمره ۱۵۶

هو، مخدوما از قراری که حاجی شکرالله خان نوشته بوده است شاهزاده حکمی نوشته میرزا رفیع خان را احضار بهرات کرده اند. هر چند سابقاً در باب مشارالیه به آن مخدوم نوشته بودم که اگر نواب معزی الیه او را احضار کنند آن مخدوم نفرستند و همان کاغذ مرا در جواب ایشان خدمت نواب معزی الیه بفرستد گمان دارم همان نوشته سابق من قبل از رفتن مشارالیه به آن مخدوم رسیده است و او را نگذاشته اند برود. و لکن اگر کاغذ این جاب دیر رسیده مشارالیه را خدمت نواب شاهزاده فرستاده باشید باید خدمت نواب معزی الیه بنویسید که دوباره او را روانه کنند بیاید در مشهد بماند یا بدار الخلافه بفرستید. لکن اگر در مشهد نگاه میدارید محبوس نباشد. و در این خصوص خودم هم خدمت نواب شاهزاده شرحی نوشته ام که او را روانه کنند بیاید. فی شهر ربیع الثانی ۱۲۷۳.

(بامهر بیضی اعتمادالدوله در پشت نامه)

= ۵۰ =

## درباره محمد صالح خان

نمرة ۱۵۷

هو، مخدوما درباب محمد صالح خان ازقراری که نوشته بود  
 تر کماذها بشادارند اورا به سیصد تومان بفروشد. کاری که لازم است آن مخدوم  
 بکنند این است که کردیهای سرخسی را که در مشهد مقدس هستند بخواهند و  
 بآننها حالی کنند که از جانب دیوان اعلی حکم شده است که در عوض محمد صالح  
 خان چند نفر از شما را بقتل برسانیم و چند نفر را هم بیای کشتن بیاورند که  
 درست مطمئن بشوند آنها را خواهند کشت. همینکه اوضاع را اینطور دیدند  
 یقیناً خود آنها متعهد میشوند که محمد صالح خان را بیاورند. آنوقت قرار  
 بدهید که یک نفر آنها را بدهید محمد صالح خان را مستخلص کرده بیاورد و  
 شرط کنید که اگر آن یک نفر رفت و محمد صالح خان را بیاورد بقیه سیاست  
 برسند. اگر چنین کنید خیلی امید است که باین تدبیر بتوانید محمد صالح  
 خان را مستخلص نمائید. تا محمد صالح خان را مستخلص نمائید احدی را  
 مرخص نکنید شما از هر طایفه کردی دارید بمینید محمد صالح خان را کدام  
 طایفه دارند. از کردیهای همان طایفه زجر و سیاست کنید تا راضی شوند به  
 اینکه یکی از آنها را مرخص کنید او را بگیرید. اگر نواب والا اسیر داشته باشند  
 از آنها بگیرند. خلاصه نگذارید آنها را بفروشد. همین رقعۀ مراد خدمت نواب والا  
 هم بفروستید. هر طور هست محمد صالح خان را باید بگیرید و مرخص کنید زیاده چه  
 تأکید شود. فی ۱۵ ربیع الثانی ۱۲۷۳ .  
 (بامهر بیضی اعتمادالدوله در پشت نامه)

= ۵۱ =

## درباره علی اصغر تاجر لنگرودی

نمرة ۱۵۸

هو، مخدوما در باب تنخواه میر علی اصغر تاجر لنگرودی

(۳۷)

تفصیلی که بمقرب الخاقان نورچشمی دبیر الملک نوشته بودید خواندم و از مطلب مستحضر شدم و در این خصوص قرار دادم که مقرب الخاقان سیف الملک و محمودخان میرزا محمدعلی و میرزا عباس خان نشسته حساب طلب آن مخدوم را بکنند. اگر آن مخدوم طلبکار شده بمیرعلی اصغر بدهند والا بدیهی است خود آن مخدوم باید طلب میرعلی اصغر را برساند. میدانید که او تاجری است در ولایت غربت. اهمال در ادای طلب او نباید کرد و باید طلب او برسد. فی شهر ربیع الثانی ۱۲۷۳.

(بامهر بیضی اعتمادالدوله در پشت نامه)

= ۲ =

### در باره جیره افواج خمسه

نمره ۱۵۹

هو، مخدوما در باب جیره افواج خمسه سابقاً شمانوشته بودید که تویچی را خرواری .... داده اید و میرزا ابراهیم خان قبول نمی کند میرزا ابراهیم - خان آدم فرستاده بود و نوشته بود که امسال هیچ سیورسات .... جواب باو نوشتم که از قراری که بتویچی داده شده است آنهاهم از همین قرار بگیرند. البته از قراری که بتویچی داده شده با آنها هم بدهید. زیادتر مطالبه نمی کنند. اما آن افواج باید بیایند فوج ابو الفتح خان را نوشته ام نواب والا با خودش بکلات بفرستند. شما هم دسته محمد رحیم خان و دسته نجفعلی خان را از نوکر هزار جریبی بکلات بفرستید. آن افواج مرخص شده بیایند بس است. زیاده از این ماندن آنها در سفر جایز نیست. البته کاری بکنید که افواج خمسه زود بیایند. فی شهر ربیع الثانی ۱۲۷۳.

(بامهر بیضی اعتمادالدوله در پشت نامه)



= ۳ =

## در باره ضبط تیولات و خانه های شاهزاده محمد یوسف خان

نمرة ۱۴۹

هو، مخدوما، در باب خانه های شاهزاده محمد یوسف که نوشته بودید نواب مستطاب شاهزاده افخم و الیتبار حسام الساطنه به کریم داد خان و نایب مراد علی بخشیده اند در این باب حکم همایونی آنست که خانهای شاهزاده محمد یوسف را حتماً بکسان خود او واگذار کنید. آنکه کریم داد خان است البته پیشتر منزلی داشته است باز هم در منزل سابق خودش بنشیند و به نایب سردار علی هم نواب و الاجای دیگر بدهند. اگر ضبط کردن خانهای شاهزاده محمد یوسف برای این است که تقصیر کرده بود سایر افغانه که اکنون در هرات مورد التفات شده اند معلوم نیست از شاهزاده محمد یوسف تقصیرشان کمتر باشد، چنانکه به عفو و اغماض ملوکانه از تقصیرات و حرکات آنها گذشت فرموده اند از تقصیر شاهزاده محمد یوسف هم قطع نظر کرده گذشت فرموده اند البته خانه های او را بکسان خودش واگذار نمایند و اهما نکنید. همچنین تیولات سابق او را هم بکسان خود او واگذار کنید. نواب شاهزاده و مقرب الخاقان قوام الدوله بشما از جای دیگر تیول بدهند. البته تیولات او را هم بکسان خودش واگذار کرده همین نوشته مرا خدمت نواب شاهزاده هم بفرستید. شهر ربیع الثانی ۱۲۷۳

حاشیه به خط اعتماد الدوله: رفتن سر تیپ علی خان نوکر شاه را بیشتر معطل کرد و کشت. حالا بنای گذشت است شاهزاده محمد یوسف بیشتر... است. (با دو مهر بیضی اعتماد الدوله در پشت صفحه)

= ۴ =

## در باره ارسال بیست هزار تومان تنخواه

نمرة ۱۷۶

هو، مخدوما در باب بیست هزار تومان تنخواه که نوشته بودید

(۳۹)

به صاحب‌تعالی‌جاء بهادرخان روانه خدمت نواب والا کرده اطمینان داده بودید که از منازل خطرناک بی‌عیب و نقص گذشته است هر چند از نوشتجات نواب شاهزاده که این اوقات مرقوم داشته بودند چنان معلوم می‌شد که هنوز نرسیده بوده است و اکنون موافق نوشته آن مخدوم می‌بایست تا بحال رسیده باشد. در باب ملبوس هم که نوشته بودید هزار دست بجهت فوج رحمت‌الله‌خان فرستاده اید افواجی که در اردو هستند اکثرشان ملبوس لازم دارند و لباسشان پاره و مندرس شده است البته از پنجهزار دست سابق و پنجهزار دستی هم که تازه فرستاده شده است هر قدر نواب شاهزاده می‌نویسد و لازم دارند زود بفرستید بلکه همه را بفرستید که آن افواج در اردو برهنه نمانند. همچنین از دیوان اعلیٰ حکم شده است که بجهت آن افواج بقدر هشت فوج چادر از سمنان تمام کرده بدفعات فوج بفوج چادرها را بارض اقدس بیاورند که از آنجا بهرات بفرستید. همه چادرها را ممکن نمی‌شود یکجا و یکدفعه تمام کرده بفرستید. باید هر قدر که می‌آورند آن مخدوم فوراً روانه خدمت نواب والا نماید که آن افواج در این زمستان بی‌چادر نمانند و اگر بنای حرکت بسمتی شد چادر داشته باشند. البته در فرستادن ملبوس هم زیاد اهتمام نمائید که بسر باز بردورانی هرات هم باید ملبوس بدهند. (بی تاریخ)

(بامهر بیضی اعتمادالدوله در پشت نامه)

= ⑤ ⑤ =

### در باره حاکم در جز

نمرة ۱۶۸

هو، مخدوم  
 نواب اشرف والاحسام السلطنه محمد ابراهیم خان جوینی را فرستاده اند که به دره جز رفته المهیاری آقارادر کارش مسلط نماید. اگر ما موریت او برای همین کار بوده است که رفته المهیاری آقارا در کارش مسلط نماید. عبت تا بحال او را نگاه

داشته و فرستاده‌اید. باز هم اعتقاد این است او را روانه کنید برود که از جانب نواب شاهزاده اللهیار آقا را در امر حکومت خودش مسلط کند و از مفسدین هم هر کس را که اللهیار آقا ماخل نظم ولایت و منشأ فتنه و فساد میدانند در جزوبه محمد ابراهیم خان حالی نماید تا گرفته بارض اقدس بی‌آورد و امر دره جز نظمی بگیرد. باری شما بصر و اعلم از من هستید و بلدیت دارید. اگر میدانید اسباب استقلالش میشود بفرستید. آنها را تنبیه کند عیب ندارد. و الا مصلحت نمیدانید آنرا هم اختیار دارید. حرره فی شهر جمادی الاولی ۱۲۷۳. (با مهر بیضی در پشت نامه)

= ۶ =

### درباره میرزا ابراهیم مستوفی

نمرة ۱۶۹

هو؛ مخدوما  
در باب میرزا رحیم مستوفی سرکار فیض آثار  
تفصیلی که نوشته بودید خواندم و صورت التزامات او را هم که فرستاده بودید دیدم. اگر چنانچه خود آن مخدوم نوشته بودید بهمان تفصیل التزام سپرده قرار داد که بعد از این همان قرار حرکت کرده تخلف نکند بعد از آنکه التزامش را داد موافق همان شفاعت نامه‌ای آن مخدوم نوشته بودند مشارالیه را دوباره بارض اقدس میفرستم که نزد آن مخدوم بیاید و اگر شرایط آن التزام را قبول نکرد در ثانی بآن مخدوم مینویسم که همان اصحاب و اشخاص را که خود آن مخدوم نوشته بودند بدار الخلاقه روانه نمائید تا در حضور آنها اگر نتوانست از عهده حرفی که زده بود برآید آن وقت من میدانم با او چه قسم رفتار کنم و چنان صدمه اش میزنم که بعد از این تنبیه شود شهر جمادی الاولی سنه ۱۲۷۳.

(با مهر بیضی اعتمادالدوله در پشت نامه)

= ۷ =

## درباره هرزگی میرزا اکبرخان

نوره ۱۷۳

هو ، مخدوما

تفصیلی که در باب میرزا اکبرخان نوشته بودید خواندم و رقعہ هم خود او بآن مخدوم نوشته اعتراف بر تقصیر خود کرده بود دیدم. حالا که خود او خواهش کرده است که اذن بدهید بی صدا از آن ولایت بیرون برود وقتی بهتر از این بدست نمی افتد. البته همانطور که خود او خواهش کرده است در پرده و بی صدا او را اذن بدهید از آنجا بیرون برود و در خصوص اسباب و اموال او قدغن نمائید مبادا کسی دست بزند و در آخر برای مامرات حاصل شده خسارت به اموال او راهم دولت انگلیس از ما مطالبه کند. البته قدغن نمائید بهیچوجه به اموال او دست نزنند و در وقتیکه او را اذن میدهید از آنجا بی صدا بیرون برود باو بگوئید یکنفر آدم درستی از خود که بامانت او اعتماد داشته باشید در آنجا بگذارد که اموال او را از عقب برده باو برساند و در میانہ حیف و میل نشود. می باید در این خصوص کمال اهتمام نمائید و آن نوشته که ملاها در خصوص هرزگی میرزا اکبرخان و زخم دار کردن داروغه و آدمهای او نوشته بودند رقعہ مانند بود باید در جزو بداروغه بسپارید که استشهاد نامه معتبری در این خصوص تمام کرده بدهد جمیع علماء و اعیان آنجا مهر نمایند. همان استشهاد نامه را هم آن مخدوم بدارالخلافه بفرستد که بسیار لازم است.

شهر جمادی الاولی ۱۲۷۳.

(با مهر بیضی اعتمادالدوله در پشت نامه)

= ۵۸ =

## در باره سیورسات قشون

نمبره ۱۷۴

هو، مخدوما در باب سیورسات قشون که بدان طریق نوشته بودید مستحضر شدم. سابقاً بآن مخدوم نوشته بودم که فوج افشار بکشلو را باید روانه اردو کنید. بعد از آنکه آنها بطرف اردو رفتند قشون ساخلو ارض اقدس کم میشود و سیورسات کمتر ضرور دارید و دستور العمل شما در باب سیورسات قشونی که در آنجا میماند این است. آنکه جیره قشون است باید قرار بدهید در هر ماه هر قدر جیره آنها می شود نصف آنرا موافق قیمت و تسعیری که غله ارض اقدس دارد وجه نقد بآنها کارسازی کنید که خودشان جنس خریده در آنجا گرسنه نمانند و نصف دیگر را جنس حواله کنید که خودشان بفرستند بیاورند تا بفروشند. و آنکه علیق است بدیهی است علیق مخصوص کسانی است که مال داشته باشند و هر کس هم که مال دارد و باید علیق داد علیق آنها را حواله نمائید که خودشان بفرستند بیاورند. دیگر از دیوان اعلی کرایه داده نمیشود. علیق و نصف جیره را که جنس حواله می کنید باید خودشان بفرستند بیاورند. فی شهر جمادی الاولی ۱۲۷۳.

(بامهر بیضی اعتمادالدوله در پشت نامه)

= ۵۹ =

## در باره چهل چراغ

هو، مخدوما. تفصیلی که در باب چهل چراغ پیشکشی این جانب نوشته بودید خواندم. همه صحیح و درست بود. و لکن بقره بر آورد مخارج شمع موم آن که پرسیده بودید جای آنرا باز گذاشته چیزی ننوشته بودید که معلوم شود مخارج آن چقدر است. چون منظور دارم بقدر مخارج سالیانه و روشنائی آن چهل چراغ ملک مخصوصی خریده وقف نمایم که همیشه منافع آن صرف روشنائی آن چهل چراغ بشود البته از آن مخدوم میخواهم

که این دفعه مخارج روشنائی آنرا بر آورد کرده درست بنویسد که بدانم مخارج آن در عرض سال چه میشود تا از آن قرار ملکی برای صرف روشنائی آن خرید و وقف نمایم که دائماً منافع آن صرف به روشنائی آن چهل چراغ بشود. شهر رجب المرجب ۱۲۷۳.

(بامهر بیضی اعتمادالدوله در پشت نامه)

= ۶۰ =

### درباره فوج سیستانی و ایل هزاره

مخدوما در باب فوج سیستانی و تفنگ و ملبوس و اسباب لازمه آن که بدان طریق نوشته بودید مستحضر شدم. حالا که خود سردار علی خان بدار الخلافه می آید و در این مورد با خود او گفتگو شده هر طور که با او قرار داده شد. بعد از آن حکمی در باب تفنگ و ملبوس و سایر اسباب خواهد شد. علی العجاله آن مخدوم دست نگاه دارد تا خود او بدار الخلافه آمده قراری در این مورد با او داده شود.

در باب ایل هزاره و تیموری هم تفصیلی به مقرب الخاقان قوام الدوله سابقاً شرحی نوشته ام که با آن مخدوم نشسته در باب آنها فکری بکنند. هر طور که مصلحت دانستند مراتب را بنویسند تا از آن قرار در باب آنها قراری داده شود که مردم از شر آنها آسوده باشند. البته در این خصوص به مشورت یکدیگر فکر درستی کرده کیفیت را باینجانب بنویسند مستحضر شوم.

شهر رجب المرجب ۱۲۷۳

(بامهر بیضی اعتمادالدوله در پشت نامه)

= ۶۱ =

### درباره تربت مطهره

هو، مخدوما مهربانا. تربت مطهره آستان ملائک پاسبان جناب امام ثامن علیه السلام با حبه و سایر چیزها که در روضه مبارک که تبرک نموده ارسال

داشته بودید رسید. بسیار زحمت کشیده بودید و بسیار راضی شدم که آن مخدوم در آن روضه متبر که اینجانب را فراموش ننموده‌اید و تربت مطهره که بهترین هدایا بود برای میمنت و مبارکی عید سعید انفاذ داشته بودید. زیاده نمی‌نویسد. فی شهر رجب ۱۲۷۳ .  
(بامهر بیضی اعتمادالدوله در پشت نامه)

= ۶۲ =

### درباره تحویل‌داری جنس

هو . مخدوما در باب حاجی نجف‌قلی خان که نوشته بودید مطالبه یک‌عشر در تحویل‌داری جنس ولایات می‌کند و آن مخدوم عالیجاه یزدانوردی خان نوشته است که بابت عشر تحویل‌داری چیزی بآدم او ندهد بسیار خوب کرده‌اید. در این باب تفصیلی به مقرب الخاقان برادر مهربان قوام‌الدوله هم نوشته‌ام که قدغن نماید مطالبه یک‌عشر را موقوف نماید. با آن صدماتی که امسال از تاخت و تازتر کمان و رساندن سیورسات قشون بخراسانی وارد آمده است دیگر از انصاف دور است که مطالبه یک‌عشر هم از آنها بشود. البته آن مخدوم نیز مراقب باشد که این عمل موقوف شود و همچنین در باب عمل اشرفی مشهد مقدس هم که تنزل کرده یکی هشت هزار و ده شاهی شده است تفصیلی بقوام‌الدوله نوشته‌ام که چاره این کار کرده قدغن نماید از اشرفی صرف کم نکنند و پول سفید را بخارج نبرند. البته آن مخدوم نیز مراقب باشد که این چیزها موقوف شود و مردم آسوده شوند. شهر رجب المرجب ۱۲۷۳ .  
(بامهر بیضی اعتمادالدوله در پشت نامه)

= ۶۳ =

### بخش چهارم : اسناد متفرقه

سواد کاغذ جناب وزیر مختار روسیه به مرحوم میرزا تقی خان شرح طولانی آنجناب که در باب قرارداد باشرت که دولت علیه ایران مناسب دانسته در این مملکت جاری نموده است نوشته بودید رسید. شرح مذکور

جواب دوستدار است که حسب الامر اولیای دولت بهیه در خصوص فقره مزبور با جناب نوشته است. اولیای دولت بهیه واضحاً معلوم کرده اند که این قرارداد آنچه دخل به درون ایران دارد منافات دارد با عهد نامجات. آنجناب میتوانند یقین داشته باشند که درین باب دیگر با آن جناب در هیچ گفتگو داخل نخواهد شد و دوستدار بدقت تمام مواظب خواهد بود که احکام دولت بهیه روسیه که به دوستدار رسیده است مجری گردد. تحریراً فی شهر محرم الحرام سنه ۱۲۶۸.

= ❧ =

### عریضه‌ای به عضدالملک مربوط به نامه شماره ۲۷

هو. تصدقت شوم، از قراری که مذکور شد بعرض حضور مبارک رسانیده‌اند که فدوی به اهالی خراسان بعضی چیزها که منشأ فساد بوده خدانخواستہ والله وبالله وتالله که خلاف محض عرض کرده، به نمک با محک جناب جلالت مآب اجل اشرف امجد اعظم ادام الله تعالی شوکته که اگر بجز شکر گذاری التفات و مرحمت‌های ولی نعمت چیزی نوشته باشم یکی از نوشته‌های خط فدوی را بنظر مبارک برساند و اگر از روز ورود بدار الخلافه غیر از این چیزی نوشته باشم هر نوع سیاستی که شایسته دانند بفرمایند. باقی امر کم مطاع.

تصدقت شوم از امروز که ۱۵ ربیع الثانی است اگر فدوی بجز شرح احوال که بعیالم بنویسم اگر برای احدی بخراسان چیزی بنویسم هر نوع سیاستی که مصلحت و شایسته دانند مقرر فرمایند، الامر منکم مطاع.



## توضیح و تصحیح :

بیست و شش سند از مجموعه اسناد مربوط به خراسان و هرات متعلق به آقای سیدعلی کبیر و مربوط بدوره نایب التولیه بودن عضدالملک در مشهد در شماره گذشته درج شد. چون بعضی اغلاط چاپی در آنهاروی داده است از علاقمندان خواهشمند است به شرح زیر آنهارا تصحیح نمایند:

صفحات ذکر شده صفحات خود مقاله است نه صفحات ردیف در مجله  
ص ۱- پس از «بخش اول فرمان ناصرالدین شاه» عدد ۱- باید الحاق شود.

ص ۲- پس از «بخش دوم دستورهای شاه» عدد ۲- باید الحاق شود

ص ۳-س ۶: «آمده» غلط و «آورده» درست است .

ص ۴- س ۱۶: «برسانند» به «نرسانید» اصلاح شود.

ص ۴-س ۱۷: «باشند» به «باشید» اصلاح شود.

ص ۵-س ۵: بعد از امر «قدرقدر» افتاده است.

ص ۶-س ۱۴: بعد از نیشابور «که» الحاق شود.

ص ۸-س ۶: می توانید به می تواند اصلاح شود.

ص ۸-س ۹: اظهاراتی به اظهاری اصلاح شود.

ص ۸-س ۱۰: پس از «یافته» البته الحاق و نگاشتن به نگارش اصلاح شود.

ص ۹-س ۱۶: پس از (حاشیه) هو، الحاق شود.

ص ۱۰-س ۳: ندادند به نداده اصلاح شود.

ص ۱۰-س ۱۹: که فرستاده به «فرستاده که» اصلاح شود .

ص ۱۱-س ۱۰: رسیدگی غلط و رسیده درست است.

ص ۱۳-س ۵: نمایند غلط و نمائید درست است.

ص ۱۴-س ۱۲: خودم غلط و مردم درست است.

ص ۱۴-س ۱۶: برساند غلط و برسانند درست است:

ص ۱۵-س ۱۸: برند غلط و بزند و نمایند غلط و نمائید درست است.

ص ۱۵-س ۱۶: وبهی و صوابدید درست است.

ص ۱۶-س ۱۹: صحیح است (از سطر ۲۱ به جلو) (صحته شاه) آورده شود.



مکتبہ اسلامیہ  
کراچی

مردم  
مکتبہ اسلامیہ کراچی

مکتبہ اسلامیہ کراچی  
مکتبہ اسلامیہ کراچی

مکتبہ اسلامیہ کراچی  
مکتبہ اسلامیہ کراچی

مکتبہ اسلامیہ کراچی  
مکتبہ اسلامیہ کراچی

مکتبہ اسلامیہ کراچی  
مکتبہ اسلامیہ کراچی

مکتبہ اسلامیہ کراچی  
مکتبہ اسلامیہ کراچی

مکتبہ اسلامیہ کراچی  
مکتبہ اسلامیہ کراچی

مکتبہ اسلامیہ کراچی  
مکتبہ اسلامیہ کراچی

مکتبہ اسلامیہ کراچی  
مکتبہ اسلامیہ کراچی  
مکتبہ اسلامیہ کراچی  
مکتبہ اسلامیہ کراچی  
مکتبہ اسلامیہ کراچی  
مکتبہ اسلامیہ کراچی  
مکتبہ اسلامیہ کراچی  
مکتبہ اسلامیہ کراچی  
مکتبہ اسلامیہ کراچی  
مکتبہ اسلامیہ کراچی



کتابت شد در دفتر حضرت میرزا حسن مدرس و علمای

مجلس مدرسه	سال ۱۳۰۲	شرفیای روح فدائی
مجلس	مقام	شرفیای کماله

آقای محمد...	آقای...	آقای...
...	...	...
...	...	...

...	...	...
...	...	...

...	...	...
...	...	...
...	...	...

مخرب الا کرمه  
فتم بوم و اولیج

از دایم از هم هر کجاست بویتمه  
در قدر یکم ذاب

باید که ما در اینه در کفایت یکندم  
و در این

و از دایم بر اینی علم  
در هر کجاست

سند ابرام فاهرت  
با اولیج غنم

و با بهر بروسه  
انما ابرام از قدر یکم

در دایم صاب کرده  
بیر اولیج غنم  
بدر غنم  
بدر غنم

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين  
اللهم صل على محمد  
وآله الطيبين الطاهرين  
الذين اصطفى لك  
الدين  
اللهم صل على محمد  
وآله الطيبين الطاهرين  
الذين اصطفى لك  
الدين  
اللهم صل على محمد  
وآله الطيبين الطاهرين  
الذين اصطفى لك  
الدين

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين  
اللهم صل على محمد  
وآله الطيبين الطاهرين  
الذين اصطفى لك  
الدين  
اللهم صل على محمد  
وآله الطيبين الطاهرين  
الذين اصطفى لك  
الدين

وذكر ملك من ملائكة  
السموات  
قال يا محمد  
ان الله قد اصطفى  
لك الدين  
والصلاة والسلام  
على سيدنا محمد  
وآله الطيبين  
الطاهرين  
اللهم صل على محمد  
وآله الطيبين الطاهرين  
الذين اصطفى لك  
الدين  
اللهم صل على محمد  
وآله الطيبين الطاهرين  
الذين اصطفى لك  
الدين  
اللهم صل على محمد  
وآله الطيبين الطاهرين  
الذين اصطفى لك  
الدين

عنوان  
تقصیر که عبادت را فریضه قرار داده

در این گفتار من را در این انجمن خیر دست در دست  
مقدم

در این مقام اعلام را بر سر عید بگذارند و گمانا انجمن است  
مقدم

پیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع انجمن زنده جمع معقول و منزه بود که با انجمن خود پروردگار  
مقدم

بعد از آن گفتار مطلع شدیم که انجمن را که در ایام سالگرد  
مقدم

ماده بکار حضرت زینت است بداریم  
مقدم

و غیر کار تانی در جانب کلا بقت  
مقدم



بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين  
الذين هم خاتم النبيين  
مبشرين ونذيرين  
والله اعلم بالصواب

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين  
الذين هم خاتم النبيين  
مبشرين ونذيرين  
والله اعلم بالصواب

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين  
الذين هم خاتم النبيين  
مبشرين ونذيرين  
والله اعلم بالصواب

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين  
الذين هم خاتم النبيين  
مبشرين ونذيرين  
والله اعلم بالصواب

موتی کا ہوا

عین اربع ذی الحجہ ۱۲۷۰

کوٹہ

فرت جانیں نہ پتہ درویش و صبح بے ہوشی خراب

سندھ

بدر لکھ سنگھ سیکھ لہذا خیر علی ذراں علیہ السلام

۱۲۷۰

سنگھ درویشی بر کس ارضی جہاں بہار و بہت سوسے آری

۱۲۷۰

کہ طلب آن گشتن عزم درویشی نہ رہے

۱۲۷۰

حاجت و کار و طلب آن جن فایرہ دارد و ہر قسم

۱۲۷۰

کی تھا و لدا و غمروا ات نہ فرستد و ہمیں نصیر اور دہا

۱۲۲

توبه ۱۹۱۹  
کتاب اول محمد بن فانی

بسم الله الرحمن الرحیم  
بسم نوری که در تمام عالم دراز شود  
در آنجا که چشم نماند و هم نماند

اشاره از زبان حضرت علی علیه السلام  
در روزی که در میان ما بود

بر در روزی که در میان ما بود  
بسم نوری که در تمام عالم دراز شود

در آنجا که چشم نماند و هم نماند  
بسم نوری که در تمام عالم دراز شود

در آنجا که چشم نماند و هم نماند  
بسم نوری که در تمام عالم دراز شود

در آنجا که چشم نماند و هم نماند  
بسم نوری که در تمام عالم دراز شود

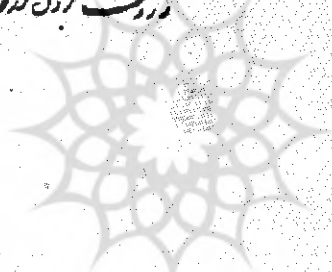
در آنجا که چشم نماند و هم نماند  
بسم نوری که در تمام عالم دراز شود

بسم نوری که در تمام عالم دراز شود  
در آنجا که چشم نماند و هم نماند  
بسم نوری که در تمام عالم دراز شود  
در آنجا که چشم نماند و هم نماند  
بسم نوری که در تمام عالم دراز شود  
در آنجا که چشم نماند و هم نماند

در باب چهارم از توحید که در شماره ۱۲۰

۸

در وقت بدین ترتیب خدمت کرده با ترکها و کارها که در وقتها



در کتاب

در باب

پژوهشگاه علوم انسانی و اسلامی  
پرتال جامع علوم انسانی

در باب پنجم از نظم و حدود که در شماره ۱۲۱

در باب ششم از حد و حدود که در شماره ۱۲۲

در باب هفتم از حد و حدود که در شماره ۱۲۳

باب پنجم در بیان صفات و احوال  
مردمان

در بیان صفات و احوال  
مردمان

در بیان صفات و احوال  
مردمان

در بیان صفات و احوال  
مردمان

در بیان صفات و احوال  
مردمان

در بیان صفات و احوال  
مردمان

در بیان صفات و احوال  
مردمان

در بیان صفات و احوال  
مردمان

تغییر در مالیه دولت

باید تمام دولت کشور را در اعلامیه میهنی اعلام کرد

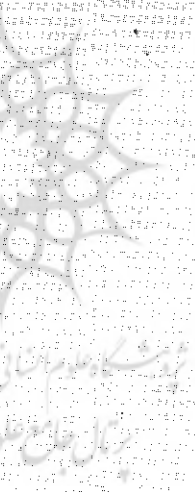
دست خفا در باره آتومب لامل قام انزلیم اندام

با گروهی از دست خفا در باره میهنی اعلام کرد

برای سوت بنیاد مدرسه در خراسان میهنی اعلام کرد

بابت بزرگداشت امام علی در خراسان میهنی اعلام کرد

باید تغیر سوت بنیاد مدرسه در خراسان میهنی اعلام کرد



تقصیر و در باب نظرانہ توبہ

کتاب التوبہ

عاشق کرب کرم بفرقی حق و حق تعالیٰ در کرب و کرم

کتاب التوبہ

توبہ کرب و کرم در کرب و کرم

کتاب التوبہ

توبہ کرب و کرم در کرب و کرم

کتاب التوبہ

توبہ کرب و کرم در کرب و کرم

کتاب التوبہ

توبہ کرب و کرم در کرب و کرم

توبہ کرب و کرم در کرب و کرم

توبہ کرب و کرم در کرب و کرم











Handwritten text in vertical columns on the right side of the page, likely bleed-through from the reverse side. The text is dense and appears to be a continuation of a letter or document.

Handwritten text at the top left, possibly a header or a specific address line.

Handwritten text in the middle left section, continuing the main body of the document.

Handwritten text in the lower middle left section, showing further details of the text.

Handwritten text in the lower left section, appearing to be a concluding part of a paragraph.

Handwritten text in the bottom left section, possibly a signature or a final note.

Handwritten text at the very bottom left, likely the end of the document or a separate note.

ربیع الآخر ۱۲۷۵

س  
۱۳۴

منوب آغا محمد  
در مورد مکتب خان

در شهر سمرقند  
کتابخانه  
۱۳۵۱

کتابخانه  
پنجاه علوم انسانی

قرعنه احوال  
کتابخانه

کتابخانه  
کتابخانه

۱۲۷۳  
کتابخانه

۱۲۷۰

سوز آلام و غمها  
و غم نیر راه در بزم

ما در چشم سحر کانی عالم بیشتر فایده اند  
و در نور چشم کرم

در حوضان و حوض کرم  
و در کلاه و حوض کرم

پیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم احوال معنوی را ملاحظه کرده کلیه اشیا بینه انجمن فرهنگ

با احوال معنوی میگرد آورده یعنی را بکم و حکم در خصوص

و از ب این نظر در همه معنویات و کلیه اشیا بینه

رود در احوال معنوی هم در دست جاریه و هم بفرستند  
و خدا را بفرستند آمد و در این راه با او در معنویات

Handwritten text in Persian script, likely a manuscript or document. The text is arranged in several columns and appears to be a list or a series of entries. The script is cursive and dense, typical of historical Persian documents. The text is written on a textured, possibly paper or parchment, surface.







۲۰

از دردی که هرگز نماند زنده بودی

من

بسم  
سوره

مهرت بر این فغان را بفرست که هر چه باقی باقی

کام مرا

زنت بودم کفر ذاب بریزه ادره بخارند انتم فرست

کمال

اوجاب پیش دست ذاب بر این بخت کمال

لا اله الا الله

زنت ساقی فر قهر از دوش شایه با بستم برید

بماند

بند دلم لاکانه نیز جانب ابر بر سره سره لایم

ادرا

زنت باریه بیه دست ذاب بر این بخت کمال  
کنه بایه درنده بنامه با برهنده بخت کمال  
کمال بیه اید بجهش بد بجهش نوم



آقا  
مهرت بر این فغان را بفرست که هر چه باقی باقی



من باب فتنہ فریبیہ

وہو بہ فتنہ فریبیہ

وہو بہ فتنہ فریبیہ

وہو بہ فتنہ فریبیہ

وہو بہ فتنہ فریبیہ

وہو بہ فتنہ فریبیہ

وہو بہ فتنہ فریبیہ

مردم  
کتاب حره از جناب آقا...

که دیگر را در این...

تعمیر زلفه بود...

جواب بدو بودیم...

از این قرار...

زایه را...

زین آتم زلف...

دست همه جمع...

بجایست...

زایه ازین...









سبب یہ ہم ستر و زلفین سے کراہت

قدم و صورت اوقات ادا مگر فریاد بید بسیم الرحمن و خداوند

بہن خیر ابرو نہ ڈالو کہ بندہ نہ پھارو اس کے سونے و زلف

دراشر لا دو اس مہانت نہ کہ نہ تم نہ سزا

بہن حق فریم کہ نہ تم با مگر شریف اس اہم

بہن ہم یوسیم کہ جان احب نہیں لادو خود ہم

روانہ خیرت و رخصت آہا کھر رخت از ہوا

آفت نہ ہوا با رہی تم رکنم جان ہوا

و ہوا خیرت و رخصت آہا کھر رخت از ہوا

شیخ که باب نزد ابراهیم زیدیه

در قدم که خوانده اند در حرف به غیر خود در بیم

گفته است ازین جهت که در آلهت بودن او

نمونه است که ما خود که خوانده است در بود

اما که برین بود در ضمن باب اول از آن

بند بود از عبارات حاضرین حضرت اهل

اما ملاحظه کنه پس در آنجا که در باب اول

در آنجا که در باب اول به وجود در آنجا

در آنجا که در باب اول به وجود در آنجا

در آنجا که در باب اول به وجود در آنجا

در باب بیست و نهم در بیان نشانه‌های کفر

بگویم نشانه‌های کفر که در کتب کتب آمده است و در کتب کتب آمده است

نشانه‌های کفر که در کتب کتب آمده است و در کتب کتب آمده است

نشانه‌های کفر که در کتب کتب آمده است و در کتب کتب آمده است

نشانه‌های کفر که در کتب کتب آمده است و در کتب کتب آمده است

نشانه‌های کفر که در کتب کتب آمده است و در کتب کتب آمده است

نشانه‌های کفر که در کتب کتب آمده است و در کتب کتب آمده است

نشانه‌های کفر که در کتب کتب آمده است و در کتب کتب آمده است

نشانه‌های کفر که در کتب کتب آمده است و در کتب کتب آمده است

نشانه‌های کفر که در کتب کتب آمده است و در کتب کتب آمده است

نشانه‌های کفر که در کتب کتب آمده است و در کتب کتب آمده است

توضیح که بابت مهری آن کتب نیز با آن

و این مهری در دست بود که شماره بر او در خارج کتب کرم آن کتب بود

این کتب نیز از آن کتب بود که معلوم شد خارج آن کتب در آن کتب بود

این کتب نیز از آن کتب بود که معلوم شد خارج آن کتب در آن کتب بود

این کتب نیز از آن کتب بود که معلوم شد خارج آن کتب در آن کتب بود

این کتب نیز از آن کتب بود که معلوم شد خارج آن کتب در آن کتب بود

این کتب نیز از آن کتب بود که معلوم شد خارج آن کتب در آن کتب بود

درب فقیهت و حکمت و علم الهی

زند

و در بیان زنده بگویم که خداوند عزوجل در آیه مبارکه

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ

و ما نشاء مع العباد انتم رسلنا و ما خولناهم من قبله

در آیه مبارکه و ما خولناهم من قبله

نوروز ام که با آنهم نشاء و باب آنها مفرقند از اولاد

در باب لغوی و آیه انوار علیها و در آیه مبارکه

و ما خولناهم من قبله

زین مہندران کی کتاب

محرر

جناب امام خان علیہ السلام بجنہوں پر خیر باد

حکومت

جناب کے تبرک نفع اراکے دستہ بودہ ہیں

پیشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی

رتال جامع علوم اسلامیہ  
دکن در ضلع سہمہ انکھوم دکن اتر پردیش

انجمن روافد اوس قوم اولیہ دینت ہندو

۱۲۷۳

پہنچ گیا بودہ اوس کتاب کا پتہ لکھنا

دربار حضرت صاحب که از بیم طغیان اعراب

فرود

در کوه خرمی بخت گزینم در اندوم پایه زوان در کوه لاسا

فرود در خرمی از ابد در کوه لاسا در کوه خرمی

در راههای قم آمده ام که در خرمی طغیان اعراب

بیشگاه در میان بی نظمانت در کوه خرمی

بجهان دار آمده است میر از خلف است در کوه خرمی

از راه خرمی به اندوم نیز از قبیل شاه در کوه خرمی  
باین خرمی نه فصل ام در کوه خرمی  
نصیب خرمی از راه خرمی ام در کوه خرمی

در کوه خرمی از ابد در کوه لاسا در کوه خرمی

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين

الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله

والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله  
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله

والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله  
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله

والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله  
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله

والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله  
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله

والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله  
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله

والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله  
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله

والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله  
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله







پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

